

نقط برای احباب است

هجرت بطهران وسکونت در آن مدینه مضر  
بمصالح امریه ومخالف رضای الهی در این ایام  
است . . .

حضرت ولی امرالله

# اخبار امری

( نشریه محفل روحانی ملی بهائیان ایران )

شهر پورماه  
۱۳۲۸

شهر الاسماء - شهر العزّة  
۱۰۶

شماره پلجم  
( ۵ )

فهرس مندرجات :

قسمت آثار مبارکه

قسمت مهاجرت

تقویم مهاجرت

ابلاغات محفل ملی

مقالات ولوائج

رسمیت امرالله در کانادا

قسمت جوانان

کتابخانه امری

متصاعدین الی الله

( در این شماره مقاله حضرت حرم روحیه خانم بسیار مهم وقابل عطف توجه کامل است )

لجنه ملی نشر آثار امری

## قسمت آثار مبارکه

جلد لوح از الواح مقدسه مبارکه حضرت عبدالهیم جل ثنائیه

۱- رعنجان جناب آقامیرزا محمد

طیب علیه بهاء الله الاهی

هو الاهی

ای طیب الحیب اطبای جسمانی چون  
مرض را تشخیص دهند معالجه آسان شود و طیب  
بسیار امیدوار گردد ولی امراض روحانی ولو تشخیص  
داده شود معالجه مشکل است مثلاً ملاحظه نمایند  
مرض نقض میثاق واضح و مشهود است ولی معالجه  
چه قدر مشکل نص قاطع کتاب اقدس و حکم مخصوص  
کتاب عهد چون دریناق اعظم است ولی ابداً  
در مرض ناقضین تأثیر ندارد بلکه بر علت بیفزاید  
ع

۲- هو الاهی

ای یاران الاهی و دوستان حقیقی صبح  
میثاق چون اشراق بر آفاق نمود روحانیان بکمال  
روح و ربان دست بشکرا نه گشودند و به پرتو  
عنایت روشن گشتند و بسجود و اهتزاز آمدند و دل  
ودیده منور نمودند و در نشر بوی گلستان حقیقی  
کوشیدند و در اعلا تلمذ آئیه سعی بلیغ نمودند  
و بجنود ملکوت الاهی مؤید گردیدند و بجای  
ملاء علی منصوب شدند و حزی کور صفت و ظلمت پرست  
و خفاش بصیرت از پرتو این صبح نورانی افسرده و  
پژمرده گشتند و هر یک بحفره فی خزیدند و بگوشه  
ظلمتی دویدند و یا یکدیگر رمز گفتند و سس سرد  
سرگشودند که این صبح اشراقی ندارد و این نور  
میثاق آفاق نیازاید ظلمت خوش تر است و حشرقت  
بهتر آفتاب حقیقت غروب نمود و نیر اعظم افول کرد  
لیل البیل آمد و شب پرتعجب گشت ظلمت احاطه  
نمود دیگر تا هزار سال شب تاریک است و ظلمت

محیط بد و روزی یک پس شب و روز باید بنقض میثاق  
برخواست و بقوت شبها آفاق را ظلمانی نمود چون  
از هر جهت عریده نمودند و ظنون و اوهام ترویس  
کردند کوب عهد پرتوی در اشراق نمود کسل  
مخدول و منکوب و مهزوم گشتند علم میثاق در قطب  
آفاق بلند شد ع

۳- هو الله

ای دوستان حضرت رحمن صد هزار بشارت  
از ملکوت الاهی در هر دقیقه آید و هزاران نجم  
فیوضات از افق عنایت در هر دم بدرخشد ولی  
نور قافله را چون صخور قاسیه از فیوضات الاهی  
نصبی نه و حقایق سفلیه را از افاضات علویه  
بهره فی نیست غراب و ذباب عقاب نکرد دزاق و زغن  
طوطی شکر شکن نشود پس شما که از این فیض عظیم  
بهره و نصیب بردید و از این فضل عظیم سهم و فیر  
یافتید باید چون حقایق باده پرست مد هوش و سر  
شده و این جام الاهی را بدست گرفته طالبان  
عهد الست را صهبای الاهی بنوشانید و مشتا قسان  
جمال رحمن را از ملاحات و صباحات وجه قدیم  
دهید تا هر یک بدیده بصیرت نظر نمایند که جمال  
یوسف الاهی در مصر یزدانی چنان جلوه فی نمود  
که رونق بازار صد هزار یوسف کنعانی در شکسته و  
چنان رخی برافروخته که ولوله در شهر انداخته و هم  
فته در قطب آفاق برافراخته آید دوستان الاهی  
افسردگان در جزعند و پژمردگان در فزع مقصدشان  
این است که بغمودت و جمودت خویش ایستای  
بسربرند و اوقاتی بگذرانند و این کور عظیم و در کرم  
را بی نور مبین بدانند تعالی لهم و تبالهم

ع

## اعـلـان

- ۱- رساله "ده اندرز تربیتی" تألیف دانشمند  
محترم آقای علی اکبر فروتن حاوی ده مقاله راجع بتربیت و  
تحلیم اطفال که با حروف سری چاپ شده و بمنزله جلد دوم  
"سخنرانیهای رادیوئی" است اخیراً منتشر شده و قیمت آن  
ده ریال است .
- ۲- کتاب مصابیح هدایت جلد دوم تألیف فاضل جلیل  
جناب عزیزالله سلیمانی که بتصویب لجنه ملی بشریات امری  
رسیده با اجازه محفل مقدس روحانی ملی بهائیان ایران  
منتشر گردیده است .
- ۳- کتاب تلخیص تاریخ نبیل بقاری اخیراً مجلد اول  
تکثیر شده و در دسترس احبای الهی قرار گرفته و قیمت آن ۷۰  
ریال است .
- ۴- رساله شهر عکائیز موجود
- ۵- اندکار المقربین جلد دوم که تقریباً سی مناجات اضافه  
بر جلد سابق دارد با جلد عالی ۱۵ ریال است .
- ۶- اندکار المقربین جلد سوم که کاملاً از جلد سابق است  
با جلد عالی ۱۰ ریال است .



قسمتی از توقیع منیع مبارک مونس شهرالکلام  
 ۱۰۱ که با افتخار جناب هرمز خدا بخش ثابت علیه  
 بهاء الله صادر گردیده است :  
 "راجع بمرقد مطهر حضرت ورقه مبارکه غلبا و بیاناتی  
 که از مقام طهر سابقا در حین تشرف و زیارت از طرز  
 ساختمان آن استماع نموده بودید فرمودند بنسوس  
 به های مرقد مبارک بمنزله محافل محلیه است نه  
 افراد و اعمده یعنی ارکان و ستونهای مرقد بمنزله  
 محافل مرکزی روحانی و قبه مرقد که بعد از نصب  
 ارکان مرتفع میگردد بمنزله بیت عدل اعظم است که بر  
 حسب وصایای مبارک باید بیوت عدل خصوصی یعنی  
 محافل مرکزی در شرق و غرب انتخاب نمایند"

#### قسمت مهاجرت

نیدهئی از تصور مقدسه مبارکه راجع  
 بنقشه چهل و پنجماهه  
 مهاجرت

در توقیع منیع مبارک مونس شهرالکلام  
 سنه ۱۰۴ این بیانات مقدسه صادر قوله الاحلی :  
 "شک و شبههئی نبوده نقشه چهل و پنجماهه  
 یاران راستان ایران از مشروعات مهمه پیروان جمال  
 رحمن است که در سنین اولیه قرن ثانی کوریهائی  
 ایجاد گشته و تاسیس یافته در تاریخ صد ساله  
 مشعشع این امر بدیع در آن اقلیم مقدس بی نظیرو  
 سابقه است اثراتش در انفس و آفاق بنهایت شدید  
 و نتائج و عوائش در تمهید سبل جهت اعلان استقلال  
 امرالله و اعلان شریعت الله در آن دیار و استخلاص  
 یاران ستمدیده و عزت جامعه و سعادت و آسایش  
 پیروان حضوت رب البریه بینهایت عظیم زواهد و  
 اعلاش تشفی و صایای متقنه محکمه مقدسه و اجابت

آخرین ندای حضرت عبدالبهاء راجع بامر خطیر  
 مهاجرت است و مقصد اسمایش استحکام اساس نظم  
 بدیع جهان آرای حضرت بهاء الله که یگانه حصن  
 حصین جهانیان در این ایام برداشت و انقلا ب  
 است افراد مؤمنین و مؤمنات و محافل محلیه و مراکز  
 قسمتهای امریه و اعضای آن هیئت مجلیسه و  
 لجنه های تابعه ملیه علی الخصوص لجنه تبلیغ و  
 مهاجرت کل باید قیام عاشقانه نمایند و در انجام این  
 نقشه که میزان و مقیاس شهامت و فعالیت و کفایت و  
 لیاقت و استعداد و قدرت و تعاون و تحاضد اعضای  
 جامعه پیروان امر بزدان در اقلیم ایران است متحدا  
 متفقا همت بگمارند و در این مسابقه روحی و مجاهده  
 معنوی که در میادین مختلفه و کشور های متعدده  
 منادیان امر جمال رحمن چه در خطه امریک و چه در  
 ممالک انگلستان و هندوستان و اخیرا در قاره استرالیا  
 شرکت نموده اند فائق بر اقران گردند و کوی سبقت  
 را بر بایند و فتوحاتی شبیه و نظیر مجاهدات و نصرت های  
 باهره سابقه که متقدمین و آباء واجداد آنان در سنین  
 اولیه قرن اول بآن مفتخر گشته اند فائز و موفق گردند و  
 بر عالمیان و مدعیان و مخلین و مبغضین و رؤساء و  
 زمامداران ثابت و مدلل نمایند که حق امرالله  
 در کالبد آن اقلیم بر محنت و ابتلا کما فی السابق  
 جاری و جاری قلب جامعه لا ینقطع لباض است  
 و ارکان و اعضایش کل بیکدیگر مرتبط و مو تلف اساسش  
 ثابت و استوار و دعائم و ارکانش لا یتزعزع و لا یتزلزل  
 بلکه بیش از پیش متین و رزین فیض تأیید از انجم  
 منقطن نگشته و نبیه و قوای روحانیه اش بتحلیل نرفته  
 و افکارش متشتت نگشته و اصول و مبادی اولیه اش  
 فراموش نشده و در عین و متانتش فتوری راه نیافته و  
 در مسلکش انحرافی حاصل نگشته اکتلیل اعمال و منتهی  
 آرزو و آمال و مغناطیس تأیید رب متعال انجام ایمن  
 فریضه اولیه و ایفای این وظیفه مقدسه و تنفیذ  
 این نقشه بدیعه در میعاد و میقات معین است



اد اعزتم بهذا المقصد الاسنى والشرف الامنى الاعلى  
والرتبة القدرى فورى الابهى تظلم مقاماتكم وتنقش  
الخيم عن افق دياركم وتظهر طلائع النصر من بينكم  
وشبه صيت عزكم واعتلائكم وتحيطكم النعم والبركات عين  
يعينكم وساركم وتشتت مثل اعدائكم وخصمائكم وتظهر  
خفيات امركم وتتحقق آمالكم ونواياكم وينهلل المسلا  
الاعلى بذكركم واعمالكم ومجهوداتكم وفوجاتكم وتتلالا  
الانوار من وجودكم وتنعكس منها على الخلايق اجمعين  
و نیز میفرمایند قوله العزيز :  
" راجع بامر مهاجرت فرمودند بنویس امر اصیل  
مهاجرت از امور اساسیه بلکه اولین وظیفه مقدسه  
یاران و محافل روحانیه در آن اقلیم است مهاجرت  
یاران بخان ایران و مراکز بعیده فی الحقیقه  
از اساس است باید موانع و مشکلات را آنمحل مقدس  
بکمال جدیت و حزم و متانت رفع نمایند و بجمیع وسائل  
متمسک گردند و با محفل ملی روحانی عراق و هندوستان  
در این خصوص کرة آخری بکمال دقت مشورت نمایند  
و بارانرا علی الاتصال تشویق و تحریص نمایند و متذکر  
دارند تا براهمیت و لزومیت این مشرو کمالا واقف  
گردند و در تنفیذ آن بجائشانی نمایند و الا تأیید بتدریج  
سلب گردد و در تحقق وعود آئیه تعویق و تعطیل حاصل  
شود و بر جرات و جسارت مغلبین و مغرضین و مفسدین و مکرر  
که در کمینند بیفزاید و علت تاخیر در تأسیس و تسریر  
مشروعات خطیره در مستقبل ایام گردد و نظم جامعه را  
مختل نماید و یاران شرق و غرب را منعم و متأسف و محزون  
گرداند و لطمه ثی شدید بتا سیمات و اقدامات و مجتهدات  
یاران در آن سامان وارد نماید تا وقت باقی است قیام  
عاشقانه و تشویقات متزاید و مشاورات مستمره و اهتمام  
بلیغ و تعاون و تعااضد صمیمانه و تشبثات حکیمانه  
تمسک بوسائل نفعاله لانم تا این مشرو جلیل که در  
تاریخ صدساله آئین نازنین در آن سرزمین بی مثل و  
نظیر و عدیل است منلل با کلیل ظفر و نجاج گردد و

علت سرافرازی یاران راستان ایران شود و روح  
مقدس مولای عالمیان را در جنب علیا و افق ابهی شاد و  
مستبشر گردد و ملا اعلی را بوجد و سرور آورد و عزیزان  
آن سامان را باعلی رتبه عزت و رفعت و جلال رسانند  
یومئذ یفرح المؤمنون الراسخون بنصر الله و ینفوح  
المبطلون و الملك یون  
و همچنین میفرمایند قوله جل ثناءه :  
" راجع بقضیه مهاجرت جمعی از احبای رحمت  
در این سنین اخیر از مواطن خویش بطهران  
فرمودند بنویس مهاجرت بطهران و سگونست در آن  
مدینه مضر بمصالح امریه و مخالف رضای آلهی در  
این ایام است باید یارانرا علی الاتصال متذکر  
دارند و اهمیت مهاجرت باقالیم و ولایات را مکشوف  
و ثابت و مدلل سازند امید چنانست علت تنبه نفوس  
غافل گردد "

**تقویم مهاجرت**

در آخر شهریور ماه سنه ۱۳۲۸ سی و بی ماه و  
روز دوازده روز از روز تصویب نقشه چهل و  
پنج ماهه مهاجرت گذشته و نه ماه  
و هیجده روز تا پایان آن باقی  
مانده است

**ابلاغات محفل ملی**

اول - انفصال روحانی فریدون تأییدی  
فریدون تأییدی تقریباً دو سال قبل برای اكمال  
تحصیل دا و طلب مسافرت بامریکا شده و شخصاً

آنچه لازمه ابلاغ بوده بعمل آمده و مع الاسف مشارالیه مصالح فردی و شخصی را بر اطاعت از دستور مطاع مقدس مولای بیم تنای اهل بهاء مرجع و مقدم دانسته ناچار بدین وسیله طرد و انفصال روحانی او از جامعه بهائی بعمم یاران عزیز کشور مقدس ایران ابلاغ میشود.

بدیهی است احبای عزیز الهی که الحمد لله کل متوسل بحبل و صایای مقدسه حضرت مولی السوری جل ثنائیه میباشند هرگونه تعلق و ارتباط با او را قطع خواهند نمود و از مکاتبه و مخاطره و سلام و کلام با او جدا احتراز خواهند ورزید.

دوم - انفصال روحانی ناصر جمالی

ناصر جمالی نیز که خود را بهائی و بهائی زاده میدانسته قصد مسافرت با امریکا میکند هر قدر بستگان و کسانش او را نصیحت مینمایند و ازین بد بختی و تیره روزی دنیوی و اخروی او را انداز و تحذیر میکنند مؤثر واقع نمیشود مع الاسف نصائح و اندازات محفل مقدس روحانی طهران نیز در مشارالیه تأثیری ننموده و علی رغم منع اکید شدید مبارک در کمال بیوفائی و عدم توجه بنصوص مقدسه مؤکده الواح مبارکه و صایای حضرت عبدالبهاء باولی مقدس امرالله مخالفست و با امریکا حرکت و بدین ترتیب خود را مشمول طرد و انفصال روحانی از جامعه بهائی مینماید شک و شبهه نسبی نبوده و نیست که تمام یاران راستان حضرت رحمن حبل هرگونه تعلق و ارتباط را با او و امثالش قطع خواهند نمود و در باره اینگونه نفوس بیوفای و سست عنصر و عهد شکن باین دستورات صریحه که در الواح مقدسه و صایای مبارکه حضرت عبدالبهاء جل ثنائیه نازل شده تشبث خواهند ورزید قوله عزیزیانه:

ای یاران مهربان بعد از مفقودی اینمذلل بحکم باید افغان و افغان سدره مبارکه و یادی امرالله و احبای جمال ابهی توجه بفرع دو سدره ته ازیر

ساحت اقدیر مولای توانا را احنا لقدرته الفدا شراف کرده در جواب باود دستور فرموده اند که اگر با تشخیص محفل ملی اولیای امور دین مسافرت اصرار ورزید برود و الا ازین مسافرت صفر نظر کند چون در همان موقع محفل ملی پس از تحقیقات لازمه چنین تشخیص داد که پای اصرار و ابرام دولت در میان نیست او هم ازین مسافرت صفر نظر نمود و بدین ترتیب موضوع منتفی و اینعمل خاتمه یافت.

امسال مجدداً مشارالیه از قرار معلوم به پیشنهاد رئیس اداره مربوطه و او طلب امتحان برای تکمیل تحصیل در امریکا شده و بموجب تحقیقات محفل مقدس روحانی طهران و این محفل مشارالیه در او طلب شدن برای امتحان اجباری نداشته و صرف بملاحظات شخصی باین امر ببادرت ورزیده است این شخص مکرر هم بمحفل روحانی طهران و هم بمحفل ملی دعوت و سوا و صریحا و اکید ابلاغ گردیده که از مخالفت با دستور صریح و اکید مبارک صفر نظر نماید و حتی با و گفته شده که اگر شخصاً ازین مسافرت منصرف شود برای رفع حظورات اداری که بعد از او طلب شدن او در موضوع مسافرت با امریکا فراهم شده همه گونه کمک و راهنمایی از طرف هر دو محفل ابراز خواهد گردید مع هذا مشارالیه بدون توجه باین تذکرات بصوب امریکا عزیمت نموده است.

با آنکه مولای توانا حضرت ولی امرالله ارواحنا فداه مکرر در نهایت صراحت دستور فرموده اند که هر کس از احبای با امریکا حرکت نمود باید طرد و اعلان شود معذلت این موضوع بتفصیل باستان مبارک تلخ را فیا هر بر و در جواب بیانی باین مضمون صادر گردیده است:

"طرد تأییدی اگر تا کنون حرکت کرده تصویب و اگر حرکت نکرده او را تحذیر نمایند امضا مبارک" چون فی الحقیقه تمام شرائط نصیحت و تذکرو انداز و تحذیر نسبت بمشارالیه اتمام و اکمال گردیده و



نجره مقدسه مبارکه انبات شده و از اقتران د و فرع  
د و حه رحمانيه بوجود آمده يعنى ( شوقى افندى )  
نمايند زير آيت الله و غصن ممتاز وولى امرالله و مرجع  
جميع اقصان و افنان و ايدى امرالله و احباء الله  
است و مبین آيات الله و من بعده بکرا بعد بکری معنی  
در سلاله اره . من جادله فقد بادل الله و من  
جده فقد جحد الله و من انکره فقد انکر الله و من  
انحاز و افترق و اعتزل عنه فقد اعتزل و اجتنب و ابتمد  
عن الله . عليه غضب الله عليه قهر الله و عليه  
نقمة الله . حصن متین امرالله باطاعت من هو  
ولی امرالله محفوظ و مصون ماند . و اعضای بیت عدل  
و جميع اقصان و افنان و ايدى امرالله بايد کمال  
اطاعت و تمکين و انقياد و توجه و خضوع و خشوع را  
بولى امرالله داشته باشند . اگر چنانچه نفسى  
مخالفت نمود مخالفت بحق کرده و سبب تشييت امرالله  
شود و علت تفریق کلمه الله گردد . و مظهری از مظاهر  
مرکز نقض شود . زنه از زنه ارمثل بعد از صعود نشود  
که مرکز نقض اى و استکبار کرد . ولى بهانه توحید  
جعلی نمود و خود را محرم و نفوس را مشوش و مسموم  
نمود . البته در مفرور اراده فساد و تفریق نماید  
صراحت نمیدود که غرض دارم لابد بوسائلی چند و  
بهانه چون زرمشوش تشبث نماید و سبب تفریق جمع  
اهل بها گردد . مقصود این است که ايدى امرالله  
بايد بيدار باشند بمحض اينکه نفسى بنای اعتراض  
و مخالفت با ولى امرالله گذاشت فوراً آن شخص را  
اخراج از جمع اهل بها نمایند و ابد ابهانه نى از او  
قبول ننمایند چه بسيار که باطل محض بصورت خیر  
در آید تا القای شبهات کند . . . از اساس اعظم  
امرالله اجتناب و ابتعاد از ناقضين است . زير بکلى  
امرالله را محور و ريعه الله را سحق و جميع زحمات را  
هدر خواهند داد . اى ياران بايد رحم بر حضرت  
اعلى و وفا بجمال مبارك نمود و جميع قوی کوشيد که  
جميع اين بلايا و محن و صدمات و خونهای پاک مظهر

که در سبيل الهى مسفوك شده و د و ثرود . . جميع  
افنان و ايدى و احبای الهى بايد اطاعت او نمایند  
و توجه با و کنند . من عصا مره فقد عصى الله و من  
عنه فقد اعرض عن الله و من انکره فقد انکر الحق .  
اين کلمات را مبادا کسى تاويل نماید و مانند بعد از  
صعود هر ناقض ناکنى بهانه نى کند و علم مخالفت  
بر افرازد و خود را نى کند و باب اجتهاد باز نماید .

Original English in Bahar News June 1949  
Special Insert P. 3-8

### مقالات و لوايح

مسائل و مشکلات تبليغى

English Text in a sample

مقاله بقلم حضرت حرم روحيه خانم

نقل از اخبار امرى محفل مقدس روحاني بهائيان

امريکا شماره ۲۰ مورخ ژوئن ۱۹۴۹

under the title (( ترجمه جناب عبد الحسين ))

(( نعيمى ))

Teaching Problems

غالبا مادر حيرتيم که چرا با اينکه علاج جميع آلام  
و اسقام عالم دردست ما است دنيا از قبول آن مضايقه  
دارد . اين فکرگاهى مورث يأس و نگرانى است  
احساس ميکنيم که حال ما مانند حال شخصى است که  
دا و طلبانه خود را بزحمت انداخته بميل و رغبت  
بجای علامت راهنمائى سر انشعاب راهى ايستاده  
با دست راست بجانب يمين با اعلانی بخط درشت  
اشاره نموده " راه نجات و امان " را نشان ميدهد و  
با دست چپ جانب خط و بسوار را مشخص و روشن  
ميسازد . مع هذا اغلب مردم بسرعت بجانب  
پرتگاه متوجه شده تنها اقل قليلى بسمت طريق  
صواب و درستگارى که ظاهر اهرام چندان جذاب و  
جالب نيست بر ميگردند . چون ما بهائيان همواره  
در جهد و کوششيم که هديه مرغوب لا عدل که خویش



یعنی دیانت بهائی را بدینا عرضه داریم و درایسن عریق بسیاری، مازدای پرافتخار تبلیغ عرصه پهنار و گیتی را زیر پایمگذاریم و بعضی دیگر در لجنه های حلی و ناحیه ئی و ملی تبلیغ قبول هر زحمت و عذاب و لذت روحی می شماریم ناچار از خود می پرسیم چه فردی بر دیگر اهل عالم عارض و طاری است که چنین حالت روحی از آنها مشهود و محسوس است. آیا جلگی اعمی و اصم اند یا مادر خط خطا و نسیان خنده از خود بیخبریم.

### امراض عالم انسانی

البته جواب این همه سئوالهای پی در پی این است که از یک طرف نژاد انسان از نظر کلی در حاضر پیشیناد چار اختلال و پریشانی و از نظر موزن عالیه اخلاقی گرفتار صرع و هذیان ناشی از انقلاب اعصاب است و از طرف دیگر مابهاثیان نیز از مصدر رومیزان اعلای خصائص و مزایای بهائی بسافت بعیدی دور مانده ایم. نافرمانی عمومی دینانست با احکام و قوانین روحانی الهی و تمسك ناقص و ناتمام مابهاثیان بهمان موزن و سنن دست بهم داده مانع و رادعی سترگ در راه پیشرفت جهادات مادر امر تبلیغ ایجاد نموده است.

کار تجزیه و تحلیل قصورها و نقائص عالم انسانی امری سهل و ساده است اول و اقدم این قصورها را باید بلا شك تمایل بشریه بیدینی دانست. حضرت بهاء الله میفرماید ترجمه "در جمیع بلاد روح و حقیقت از عقیده بمبد و ایمان بخدا روزوال و فنا است" این بیان اکنون سالهاست که از قلم اعلی نازل گشته و از آن زمان الی کنون حرکت افکار این ساعت همچنان بجهت مخالف یعنی بیدینی دوام دارد و در نتیجه الیوم ایمان بخدا از موقع نزول این ندا بر مراتب ضعیف تر است و چون قوت روح و مایه جان انسان از خداوند منان می رسد بسیاری از

نفوس دچار امراض و اسقامی گشته اند که نتیجه مستقیم این گرسنگی روحی و مهوریت و عذاب درونی است بشرها نه تنها از خدا روگردان شده و پشت بجانب حق و حقیقت نموده اند بلکه در جای معبود یکتا در خانه دل خدایان و الهه پیچا مانند تشبث به اصل تفوق نژاد خود بر سایر نژادها و فلسفه های متنوعه و وطن پرستی جا داده اند. این خدایان باطل دارای جهاد به و نفوذی که مانع از تمایلات شیطانی و رادع هوس های نفسانی باشد نیستند اگر چه خیال پروری و تصورات میان تهی بیروان این خدایان گاهی بنقطه غلیان می رسد و اوج میگیرد ولی حاصل این هیجانات روحی و نوسانات نفسانی کینه توزی و بدخواهی و تعصبات دینه و خود پسندی و بیرحمی است بطوریکه در عالم انسانی هوس های شخصی و شهوات حیوانی با آزادی در حال خود نمائی باقی مانده هیچگونه نفوذ اخلاقی که در ماورای محیط محدود فلسفه های پراز سفسطه فعلی مؤثر باشد وجود ندارد. پس امروز روز خوشی و شادمانی برای آزادی هوسهای نفسانی از هر قبیل است ولی هرگونه آزادی بدون مذهب منسی و معدوم گشت. امروزه بشر آزاد است که بدرجه جنون ابراز عداوت نسبت به نژاد اسرائیل و یاسیاه بوستان نماید و با بنام بر منشی وطن بضرریقه دنیا قیام کند و با جانبدار پر حرارت و شمشیر بند بی پروای هرگونه مرام و مسلک دیکتاتوری باشد اسیر هوس های نفسانی و شهوات حیوانی خویش گردد و بمیل و دلخواه خویش را بطریقه زناشویی را بنسند هواخواه الکل و شراب نشود و در بسیاری از نقاط آزادانه عامل انتشار و حشمت و قاتل ابناء نوء و با جنگجوی عنان گسیخته و با پانی و طافی بی پروای حکومت مسلم کشور گردد. و حق باید گفت که وضع کنونی بغایت حزن آور و اسف انگیز است زیرا از یک طرف آزادی های غیر انسانی

باقیاه های نیکگون بشر فوق درد سترس افشاد  
 بشر مقرر و میسر است ولی از طرف دیگر بشر نمیتواند جامه  
 تقوی و در سنکاری را بر پیکر خویش راست کند بدون اینکه  
 اکثریت جامعه در او بنظر عیب جوئی بنگرند و او را از مرد  
 گریخته و ناموزون خوانند و یا ایام راحت و تعطیل  
 خویش را در کشور دیگری بگد راند بدون اینکه  
 محدودیت ها و مقررات منافی آزادی و سلسله  
 تصدیقات و اوراق لازمه بقدری زیاد و مزاحم باشد که  
 انسان خود را مانند جنایتکار فراری تحت تعقیب  
 به بیند چنانکه در بسیاری از کشورها عملاً با شخص  
 مسافر همین معامله را میکنند و یا شخص نمیتواند از  
 نوشیدن باده احتراز کند و جانب تقوی و تمسک بحکم  
 را نگاه دارد بدون اینکه جمعیت حاضرین در او  
 بنظر پاریا بنگرند و او را از رانده ها و مطرودین  
 اجتماع خوانند و یا انسان قادر نیست بمسرت و  
 انبساط تمام بایند بدین و متمسک بآئین باشد بدون  
 آنکه در اجتماع او را عقلاً ناقص و یا از جنبه احساساتش  
 غیر موزون و نابالغ شمارند . امروز در بسیاری از  
 کشورهای جهان مردم حتی از تمتع از آزادی  
 ساده بی مانند ابراز تفقد و شفقت محروم اند چه در  
 این قبیل ممالک هر کس از عصیت غیر انسانی متداول  
 در آنجا برکنار باشد و برای طبقه تابع فلسفه اقلیت  
 حق حیاتی قائل شود او را بیوفایان باید از خوانده در  
 زمره مردودین می شناسند بطوری که در بین چنین  
 افراط و تفریط صحنه میانه بی وجود ندارد .

همه روزه در هر صفحه جرائد یومیه میتوان مواردی  
 را از این رفتار ناپسندیده یافت و تصور حقیقی  
 عالم فعلی را مشاهده نمود حاجت بتفحص و تجسس  
 زیاد نیست . در آثار نازله از قلم اعلی و کلک اطهر  
 حضرت عبدالبها و توقیعات مولای توانا این مسئله  
 برای ما تشریح و توضیح شده که جمیع این آلام و اسقام  
 از راه نزول شدائد و مصائب و تحمل بلا باید علاج  
 گردد . عالم انسانی هنوز هم از پیروی از صراط

نجات و طریق عقل و حکمت احتراز دارد و معلوم است  
 که بمیل و رغبت از این دلت و مسکنت دست بردارند  
 و با این لجاجت و سرسختی فعلی در جاده انحراف  
 و خطاکاری آنقدر ایداری خواهد نمود تا به پرتگاه  
 مخوف هبوط رسیده در زندان ژرف مصائب و آلام  
 ناگفتنی در آید و هستی و موجودیت خویش را درین  
 قمارگران ببازد . و در این آخرین مرحله انحطاط  
 هبوط است که عاقبت عالم انسانی از انشقاق  
 و تجزیه نجات یافته بوحدت و یگانگی خواهد رسید  
 گرائید بطوریکه هزاران جلسه مشاوره و تعامل  
 افکار بین المللی از عهده انجام چنین امری قادر  
 نباشد . عالم انسانی در حال فعلی از هر عمل  
 اقدام عقلایی بری و بیزار است ولی عواقب جنون  
 نتایج بد مستی عاقبت مورث بیداری و علاج بیمار  
 است .

این است آنچه که علت و موجب اصلی عس  
 اقبال نفوس زیادتری را بشریعه الهیه برای  
 روشن میکند و ما میفهمانند که چراندای جانفروان  
 بهائی با گوش های شنو آشنایست معهد اما باید  
 مردانه بر سر دوراهی معهود پایداری کنیم و آئین  
 الهی را چنانکه هست بجماعات بشری معرفی بنماییم  
 این تعهد اخلاقی ما است که در این راه روی راحه  
 و رفاه را به بینیم و بغضات تن آسائی و قعی نگذاریم  
 زیرا میدانیم که چه پرتگاه مخوف و هبوط مهیب  
 در پیش است . ما باید از افراد جمعیت هر چه  
 بتوانیم بجانب خود بکشاییم و از انحراف و خطا  
 برهانیم و بر راستی و وفای برادری و صفا و محبت پعم  
 برسائیم این جمله که گشت یکی از جنبه های  
 مشکلات تبلیغی است و باید گفت که جنبه مهم  
 عمده آن محسوب است .

و اما راجع بمسائل

ما اهل بهادرمقابل دنیا قرار گرفته ایم



ده درصد از تعالیم هم بر ما معلوم نیست • روزی از مادر بیانی شنیدم که خیلی در من اثر کرد • در موقعی که از اطلاعات امری ایشان در مجلس تمجید و تحسین میشد گفتند تعالیم بهائی را باید بمنزله علوم دارالعلوم محسوب داشت پس و پنج سال دانش آموز این دارالعلم بوده ام ولی هنوز طفل سبق خوانم و در کوی این دانشگاه تلمذ میکنم •

محور آئین الهی عهد و میثاق است

معذرت باد همه نقصان علم هر بهائی جدید الایمان کوچکی میتواند بقدری از آئین الهی کسب معرفت و دانش نماید که برای تجدید حیات و تنبیه سبک زندگی او کافی باشد و بتواند به تبلیغ و تبشیر نیز بپردازد زیرا محور علم و اطلاع روحانی بهائی سبک حقیقت کلی و دوری است که در مقابل فساد و بی ایمانی تمام من علی الارض قدرت مقاومت دارد و آن - حقیقت عهد و میثاق الهی است • میثاق اعظم الهی بطوریکه میدانیم عهدی است که خداوند پیمان نمود با جمیع پیمبران و بوسیله این فرستادگان با جمیع افراد انسان بسته و برعهده گرفته است که بشیرا بخود وائنگارد و درمانده و مضطرب نماند بلکه بوسیله هادیان سبیل ما را بصراط علم و معرفت الهی و تقرب بدرگاهش نزدیک کند و راهنمایی فرماید وانی میثاق اخراج امتیازات بالانحصار آئین بهائی است که از مقتضیات رشد و تقدم دنیای کنونی است این میثاق چون شریان حیاتی در پیکر آئین الهی در بطن انسان است بلکه مانند استخوان بندی فولادی بنای عظیم نظم اداری بهائی را که نظم نوین عالم انسانی است استوار و برقرار دارد • این عهد الهی عهدی است که حضرت بها " الله با ما اهل بها و مولای بیهمتا • حضرت عبدالبها و بوسیله آنحضرت با حضرت ولی امر الله و بوسیله ایشان با ما پیوسته و وعده فرموده اند که پس از آنکه بساط وصال منطوی

جمال اقدس را بهی میفرماید " اگر احبایا عامل بودند آنچه مأمورند حال اکثر من علی الارض بسر دای ایمان مزین بودند " این بیان هفتاد و هشتاد سال قبل از علم اعلی نازل گشته و همین بیان کافیه است که ما دام الحیوة خواب و راحت را از چشم ما اهل بها بریاید و ما را دچار تشنج و ناراحتی نماید زیرا صریح بیان حاکمی است که مشکلات عالم انسانی تنها ناشی از انحراف و خطاکاری آنان نیست بلکه تا حدی بقصور و غیور ما پیروان این آئین کرم نیز مربوط است • اگر ما همه فکرا و اعمالا بحقیقت بهائی بودیم چنان جذب و هیجانی در جسم مرده و ضمیر افسرده عالم انسانی بر میانگیختیم که عالم یکسره بجنبش روحی فاخر میگشت • ما هر وقت نظرا بر دم دنیا میدویم احساس نشاط و رضایت خاطر میکنیم زیرا موازین خود را با آنها میسنجیم و رفتار خود را در مقابل روش آنان میگردانیم و بخود میگوئیم قامت روحانی مایکی دیگر از قامت آنان رساتر است ولی احتمال دارد اگر آنچه که بهائی بان ما مورا است نظر اندازیم و در حقیقت عظمت مثل اعلای بهائی یعنی رفتار حضرت عبدالبها را در خاطر مجسم کنیم آن رضایت خاطر فوراً چون ماده هزار از در دیوار قلب ما محو میشود چه که میفهمیم که بنا است قامت اخلاقی ما بهائیان چون سرو چنان بلند و سر آسمان باشد در حالیکه اکنون بجد قوم یا جوج و ماجوج کوتاه و حقیر آئسته بطوریکه تنها چند بهرا از کوتاه قدان روحانی ساکنین دنیای کنونی افراشته تریم •

علت چیست ؟ در مقام اول باید گفت که اغلب ما از تعالیم الهی کاملاً مطلع نیستیم باین آئین الهی ایمان و اعتقاد را سخ داریم ولی اکثر در شمار مؤمنین مدعی و پیروان آگاه دین الله در نیامده ایم از دریای پهناور تعالیم الهی یعنی آنچه که جمال اقدس را بهی میراث مرغوب لا عدل له مقرر داده اند هنوز شبی نگرفته ایم • شاید حتی



و دوره اشراق هیکل عنصری شمس ظهور منتهی گردد  
 ما اهل بهاء و توحید و منشی نمائنده بلکه هدایت الهی و  
 حکومت و اقتدار ربانی با استمرار در این عالم ناسوت  
 با اشراق و تجلی استقرار یابد و ردای پر جلال هدایت  
 مصون از خلل و خطا از راه تبیین آثار صادره از قلم اعلی  
 بر قامت موزون ولی عهد ابهی حضرت عبدالبهمن  
 و اکنون حضرت شوقی ربانی استوار شود •

چون شمس این ایمان در قلب هر نفس مؤمن  
 اشراق نماید و افق فکرش از انوار این اشراق منور و  
 احتراق گردد یعنی ایمان بخدا و عهد کلی او  
 و حضرت بهاء الله و میثاق اتم اکمل آنحضرت با اهل  
 بهاء در خانه دلش استقرار و روشن یابد روح معرفت  
 و جوهر الجواهر دیانت از آن اوست • این ایمان  
 و ایقان راه بایه و شالوده است میتوان بعد از  
 حلیه علم و معرفت و عقل و درایت و تهذیب اخلاق و  
 تعدیل رفتار زینت داد • این است که شخصی که  
 ابجد نداند و باصم و اعمی باشد اگر باین لبالباب  
 واصل شده بهائی حقیقی و کامل عیاری خواهد بود  
 یعنی قلبا بخدای قییم و مظهریت حضرت بهاء الله  
 در این دوره تاریخ دنیا مؤمن و معترف باشد و  
 بداند که در دور بهائی که اقلاً تا دواز سال باقی است  
 تا اتمال اقتدار ظهور الهی بر نبض عالم همچنان  
 باقی و مستولی خواهد بود و ابتدا از طریق حضرت  
 عبدالبهمن و بعداً بطور توالی بوسیله سلسله اولیای  
 امر هدایت و حکمت ربانی از عالم بالا و ملکوت اسنی  
 نازل و متواصل خواهد بود درست که فکر کنیم این  
 مسئله یکی از بزرگترین مزایای این امر است • در  
 این عالم در نظر افراد بشر و باسنجش عقل و رأی  
 بشری موازن قطعی وجود ندارد یعنی رای هر  
 فردی در مقابل عقیده فرد دیگر بقیاس عقل بشری  
 سبک و سنگین میشود و هر گونه ترجیح و تفوقی نسبسی  
 است ولی در امر ولایت ترتیب جدیدی استقرار  
 یافته باین مناسبتی که در میدان معینی و مسائل

مشخصی نظر و اراده يك فرد صورت قطعی دارند  
 نسبی زیرا این اراده ناشی از فرد نیست بلکه اشراق  
 از عالم بالا است • هر شخصی که در ظل دینی وارد  
 میشود و در زمره مؤمنین بآن دیانت در میآید اول  
 صاحب این فکر و عقیده میشود که نفس مظهر ظهور  
 در آن دیانت مصون از خطا و صاحب عصمت کبری  
 است زیرا مرآت کمالات الهیه و حاکی از اشراقیات  
 ربانیه است • حضرت مسیح فرمود ترجمه آنچه  
 من بشما میگویم از خود نمیگویم بلکه پدر که در من  
 نشسته در آن دخیل است • حضرت رسول در صحیفه  
 آسمانی قرآن آیات معینه را به قل "ابتدا میفرماید  
 یعنی بگوای محمد این کلمه خود حاکی است که  
 آنچه میفرماید کلام اولیست بلکه کلام نازل از ملکوت  
 اعلی است برای هدایت بشر • بهود و مسلمان و  
 مسیحی جمیعاً کتاب آسمانی خویش را از این جنبه  
 که حاوی کلام الهی است مقدس می شمارند • ما اهل  
 بهاء نیز مانند سایرین همین عقیده را در باره حضرت  
 بهاء الله داریم با این تفاوت که ما معتقدیم که  
 هدایت ربانیه پس از صعود شمس حقیقت مقطوع و  
 منطوقی نگشته بلکه این نور داری بنحو مشخص و  
 محدود و منجزی باقی و ظاهر بوده دوام خواهد داشت  
 و اولیای امر الله تا دور بهائی باقی است و ظهور بعد  
 ظاهر نشده نه از راه تاسیس و تشریح بلکه از راه تبیین و  
 تشریح پرده از وجه اراده الهیه در راه هدایت بشر  
 برخوانند داشت •

در دیانی که دائره شك و تردید نسبت بوجود  
 آفریننده فرید و حید و وسعت گرفته جای تعجب  
 نیست اگر برای مبلغ بهائی مشکل باشد بمرور  
 بفهماند که ظهور الهی ظاهر و مظهر ربانی در جلوه  
 و اشراق است و حتی باید گفت که برای مردمی که  
 تمایل بقبول مسائل روحانی ندارند مشکل است باین  
 کنند که مقام و تاسیس در این عالم تری وجود دارد که  
 از عالم بالا صاحب اقتدار و مصون از لغزش و خطا

ما اهل بهاتعالیمی بس شیواو شیرین برای مردم  
 بنیاد ابریم بدست ماقوانین واحکام اجتماع  
 اقتصادی اخلاقی و بین المللی برای هدایت بشر  
 سپرده شده مبادی و مقادیر مایه مثل ونظیر و غیر قابل  
 رد و تکیذ است ولی حیات و قدرت و نفوذ این مبادی  
 و اصول بی عدیل تا زمانی باقی است که ماعت و دلیل  
 کمال و جلال آنرا بدانیم و بآن معترف باشیم یعنی  
 بدانیم که این اصول و مبادی واحکام و تشریعات از  
 عالم الهی نازل گشته و مافوق عقل و ادراک بشری است  
 و اگر شخص در این سلسله استدلال تا این مرحله  
 خود را بکشاند و احساس و ادراکش اینقدر تکامل و  
 تعادل یابد که مبدی غیبی و مشرق لاری این اشراق  
 و تجلی را بشناسد و بحقیقتش معترف گردد دیگر قبول  
 و اقرار در کانه و از صمیم قلب او نسبت بمقام و موقعیت  
 ولایت امر الهی بالتبع آسان و ضروری است و بدی  
 از آن نیست زیرا تنها مقام ولایت و بیت العدل اعظم  
 که با آن توأم و قرین است کافل حسن اجرا و تحقق  
 شریعت و آئین الهی در دهرهای است . اگر  
 این میزان اتم اکمل را کنار گذاریم یگانه تضمین و  
 تأییدی را که برای تحقق و عود مبارک در آئین مقدس  
 بهائی موجود است از دست داده ایم .  
 شناسائی ولایت امر

این جانب شك دارم که از احبائی که در ثوب  
 حیات اند کسی باشد که کما هو حق به مقام و وظایف  
 ولی امر محبوب ما آشنا و بحقیقت بمعنای آن واقف  
 شده باشد يك دسته ما زیاد در طرز فکر زمان حضرت  
 عبدالباغ و طه ورم و دسته بی دیگر حد کافی هنوز  
 از این طرز فکر فاصله نگرفته ایم . فاصله تاریخی که  
 چشم انداز کافی بماند و هنوز برای ما دست نداده و  
 بهمین جهت نمیتوانیم معنی و مفهوم واقعی و طرز کار  
 مقام ولایت را ادراک کنیم . اشخاص هستند که  
 اختیارات و اقتدارات حضرت ولی امر الله را با اختیارات

و اقتدارات مظهر ظهور الهی اشتباه گرفته منتظرند  
 که حضرت ولی امر الله محیط بر هر دانستی باشند  
 و از طرف دیگر نفوس هستند که نمیتوانند این فکر را  
 بتحلیل عقلی برند که چگونه بحضرتش اقتدارات اعلی  
 و نهائی اعطا گشته . آنهایی که حضرتش را صاحب علم  
 و احاطه محیطه لدنی میدانند راه اغراق بیچسب  
 پیموده اند و این اغراق و مبالغه برای نفوس که در  
 صدد باشند کمابیشی بعظمت و معنای حقیقی مقام  
 ولایت در دهرهای واقف شوند کمکی نمیکند از طرف  
 دیگر بسیاری از نفوس که غالباً از احبای غرب اند  
 ( زیرا در غرب در مورد شخصیت و به غیره عادی  
 موجود و راجع بر ریاست و مقام شخص رئیس و اختیارش  
 بیم و اضطراب و ملاحظه و محافظه در میان است )  
 چنانکه هست بعظمت مزایا و اختیارات مقام ولایت که  
 ابداً جنبه شخصی ندارد بلکه دارای جنبه اداری و  
 اجسرای است واقف نیستند . دسته اول منتظرند که  
 حضرت ولی امر الله درباره صحت یا عدم صحت  
 فرضیه های اقتراح جدید در علم نجوم و مسائل عالیه  
 فیزیکی مربوط بآن برای آنان حل مشکل فرمایند  
 و یا تاریخ حل اختلاف بین دولین پاکستان و  
 هندوستان را پیش گوئی نمایند و دسته دوم باز یارت  
 الواح مبارک و صایا و اطلاع بر حاکمیت ماورای قیاس  
 مقام ولایت باین مقام از نظر اختیارات يك فرد بشر  
 عادی و يك قائد و راهنمای انسانی که از وسائل و عوامل  
 صوری باید استفاده نماید نگرسته فکر میکنند که  
 تاکنون يك فرد بشر دارای چنین اقتدارات وسیع  
 نبوده میترسند که بشری دارای این همه مزایا و  
 اختیارات باشد و باین جهت سعی میکنند که بیانات  
 حضرت عبدالباغ را در مورد مقام ولایت تا حد ممکن  
 از اهمیت بیاندازند و اثراتش را تقلیل دهند  
 پرواضح است که هر دو دسته مطلقاً در طریق خطا و  
 اشتباه پویان اند حضرت ولی امر الله مظهر ظهور  
 آن قسطاس و میزان ملکوت نیستند که جمیع مقادیر



با آن سنجش شود و ارزش هر يك معلوم گردد در حل مسائل حضرت ولی امرالله جواب را عرفا در بیانات مبارکه و آثارنازله جستجو و از آن اقتباس میفرمایند و نادرا تا چیزی مشاهده نفرمایند در مسائل خارج از حدود مشاهده و اطلاع خویش بیانی نمیفرمایند ولی ممکن است کشف این مسائل از آثار و تأییدین آن منحصر بوسیله يك ولی امر میسر باشد . به همچنین هرگز دعوی حضرت ولی امرالله این نیست که هدایت یا نهایت را میداند و از غیب امکان مطلعند . تا اینجا راجع بود بنفوس که از این جنبه غلو کرده راه اغراق پیموده اند .

و اما آن . یعنی که در جهت مخالف راه اغراق و مبالغه رفته اند نیز برای خود و امرالهی زحمت و ناراحتی بیشتری فراهم کرده اند . البته از جنبه بشری حضرت ولی امرالله يك فرد انسانی بوده و برای شخصیت مخصوص بخود و روش و رفتار و تمایلات و سلیقه فردی میباشد ولی این مسائل مربوط بموضوع نیست . از جنبه ولایت امر بهائی شخص ایشان در نظم الهی دارای مقام و مسئولیت الهی هستند . اگر شخصی بگوید که از راه مطالعه در منظومه شمس و وقوع زلزله های مختلف را پیش بینی نموده و با و میخندیم ولی درازا اطلاعات حاصله از دستگاههای علمی مخصوص ثبت زلزله کاملاً مورد توجه و اعتماد ما است . وقت آن رسیده که نفوس که از فردیت و شخصیت بیم و هراس دارند رویه فکری خود را عوض کنند و هرگز باین فکر نباشند که حضرت ولی امرالله بشری هستند که بصورت استنباط بشری و در تحت تأثیر اوضاع و احوال در قضا یا نظرمیدهند بلکه بدانند که حضرتش بمنزله دستگاه دقیقی است که مخصوص ثبت و ضبط مسائل معینه میباشد بصورتی که با افراد عادی در اوضاع های مختلف محل وقوع و با واردات قلبی و بروز قدرت نهانی الهی گاهی بمیل و گاهی هم برخلاف میل خود انعکاسات و -

عکس العمل هایی از خود نشان میدهند ولی حضرت ولی امرالله من دون اختیار مانند دستگاهی که بجریان برقی متصل باشد عمل میفرمایند و به همین جهت باید معتقد و معترف باشیم که حضرتش در اجرای وظایف خطیره و انجام مسئولیت های ویس در باره امر بهائی و پیروان آن هرگز خطا نمیکند و ممکن نیست که دچار لغزش و خطا گردند . این است معنی هدایت الهی و عطیه ربانی که از مقام عصمت کبری فائز گشته امری اختیاری نیست بلکه ماورا اختیار است موقوف بمیل و رغبت بشری نیست بلکه متکلی به مقام رسمی و اجرای وظائف حتمی است و اگر تأمل در قبول چنین مقام و موقعیتی که عبارت از طرحی بدیع و تجدیدی جدید در حیات ایمانی بشر میباشد از این جهت است که امری نوظهور و بی سابقه است باید در نظر داشته باشیم که دستگاههای رادار و دیووتلون و یون و طیارات "جت" و قدرت حاصله از انفجار اتم جلگی از امورات غریبه بی سابقه و نوظهور این ابداعات و ترقیات در عالم علم قبول میکنیم چرا ابداع بدیعی را در عالم روحانیات تعقل و ادراک ننمائیم ؟

### میثاق الهی و تبلیغ بهائی

=====

اهمیت مسئله عهد و میثاق ( بالاخص تا آنجا که مربوط بمقام و موقعیت حضرت ولی امرالله و ارتباط ایشان با افراد بهائی است ) و تأثیر آن تصور آن در مسائل و مشکلات تبلیغی شایان توجه و تبصیر دقیق است زیرا مسئله عهد و میثاق روح و جان فعالیت تبلیغی است فرد بهائی در هر مسئله دیگر امری میتواند بدرجه ادراک واصل شود و یا در مجاهده و تحقیق بماند - اعتراف کند و یا هنوز بر شد درک و اعتراف نرسیده باشد ولی در امر میثاق باید از هدایت کاملاً مطلع و عارف و معترف باشد و معنی و مفهوم آنرا بداند و نتایج حاصله از آنرا بشناسد تا بتواند



بائی باشد زیرا بدین فهم عهد و میثاق و ایمان و  
 احراف بآن یک فرد بهائی در بوستان امرالله بمنزله  
 تجری است بی ریشه و مایه باویش اولین نسیم و  
 بدایش کمترین افتتان هالك و هابط خواهد  
 گردید . آنچه دیلا گفته میشود امری غریب  
 و حیرت آوراست و باید هر بهائی که در میدان تبلیغ  
 قدم میگردد در این باره برهه‌ئی با خود بفکرو  
 مراقبه ببرد از د : اگر امورات تبلیغی ده یا بیست  
 سال گذشته را در نظر بگیرد و سران و سرداران  
 میدان نبشیر و تبلیغ را از چشم انداز تبصر درونی  
 بنگراند مشاهده میفرماید که جملگی شیران  
 یقه میثاق و در دفاع و جهاد بر راه میثاق  
 ندید البطش و قوی الارکان بوده اند و اگر سوابق  
 عائله و سلسله اسلافشان از جنبه سابقه امری هم  
 نظر کنید می بینید که این شیرچگان از نژاد  
 شیران پر سطوت بهائی در عهد ماضی نبوده  
 خون بهائیان که در دوره حضرت عبدالبهمن  
 دلباخته آن طره مشکبو و در امر میثاق صاحب مقام  
 و موقعیت مهمی بوده اند در عروقشان جاری است  
 در دنیای خارج و دنیای بهائی امتحانات و افتتانات  
 در جزرومد است ولی این طبقه بهائیان همیشه  
 مصون و در امان اند زیرا شجر وجودشان دارای  
 ریشه هائی است که از اعماق زمین بر فیض بوستان  
 میثاق غذای روحانی لازم را مرتبا بایشان میرساند  
 عقیده و ایمان نسبت بمقام مرکز عهد و میثاق  
 ( که در حال حاضر شخص حضرت ولی امرالله  
 مرکز عهد حضرت عبدالبهمن مظهر آن میباشد )  
 و عشق و علاقه خالصانه بحضرتش سبب وسوسه  
 و در ع قوی الارکان هر فرد بهائی است . بهائی  
 با این شمشیر بران و در ع قوی الارکان فاتح و منصور  
 و بدون آن بی دفاع و در قوتور است .

اولین قدم

در امر تبلیغ واجبات و محرمات فراوان است

هر مومنی که تفوه بتبلیغ نموده تدریجا راه درست  
 مخصوصی برای خود پیش گرفته است و صورت را با  
 و محرماتی برای خود ترتیب داده و برای نگارنده  
 مستحیل است که جمیع این روش‌ها را در این مقال  
 مورد بحث قرار دهد نه مدعی علم و اطلاع کافی  
 نسبت بهمهم روش‌ها هستم و نه فرصت و مقام اجساره  
 این اهتمام را میدهد ولی فقط برای اینکه مشهود است  
 و تفکرات خود را در این امر بهائیان راستان در  
 میان گذارم بدگر چند فقره در این باره اکتفا میکنم  
 زمانی یکی از احباب در امر تبلیغ مثالی خودمانی  
 برای نگارنده ذکر نمود که شایان تکرار است ایسن  
 خام میفرمود که تعالیم آلهی جلگ کامل و ذخیره  
 بی انتهای از بضائع مختلفه است که هر فردی از آن  
 چیزی میطلبد و چون مادر این انبار بزرگ همه چیز  
 داریم همه مشتریان را میتوانیم راضی کنیم . این مثال  
 کاملا رسا است زیرا اگر طالبی در حقیقت طالب  
 باشد و در گرداب افکار متضاد و یارکود و خمسود  
 عمیق و یاکبر و نخوت غوطه بخورد مادر ذخائر امرالله  
 جواب سؤال و دافع حوائج او را داریم یکی از  
 مشکلات اصلی ما این است که همیشه ما بحوائج شخصی  
 طالب بی تمیزیم تا هر چه میخواهد باو برسانیم .  
 بعضی از ما فراموش میکنیم که تاظرفی را خالصی  
 نکنیم نمیتوانیم چیزی در آن بریزیم شخص مبتدی  
 که بجلسات مامیاید و با او اقتصاد می بینیم اکثر  
 اوقات خاطری پر دلی ناراضی دارد ما با او اجازه  
 نمیدهم که درد خود را بگوید و آنچه در خاطر دارد  
 عرضه نماید تا از بار سنگین فکری و شک و ریب هسا  
 و مشکلات و فرضیه های مختلفه خود قدری فراغت  
 یابد . چون میدانیم که ما جواب مشکلات او را داریم  
 فوراً سعی میکنیم آنچه را جواب مسائل او فرض  
 میکنیم باو خواه ناخواه تحمیل نمائیم . این روش  
 بندرت مکلل بموفقیت میشود و علت هم معلوم است  
 برای جواب ما هنوز بجائی در خاطر او باز نشده  
 و پیش از اینکه بتواند مشکلات و ناراحتی های خود را

میدان تبلیغ مواجه با دیوار سنگی و سرد افکار و بیانات  
یک مبلغ بهائی میشود که صرفاً این حالات و افکار را  
مذمم دانسته با و میگوید اینها شأن انسان نیست و  
باید از این مراحل گذشت و متوجه کمالات علمی و  
مزایای محسوس نظام بدیع الهی در این ظهور ربانی  
بود.

اگر کسی حاجت بچیزی دارد هر چه باشد باید  
همان را با و داد و دادن چیز دیگری بجای آن با و  
حاجت را رفع نمیکند. اگر مبلغ دارای اطلاعات  
کافی و جامع در امر نیست که بتواند با عالم اقتصادی  
از اقتصادیات و با عالم علمی روحی از روحانیات صحبت  
کند اقلاً باید عقل و درایت خویش را از این راه بکار  
بندد که بعدم اطلاع خود معترف شود و طالب  
حقیقت را بشخصی برساند که علم و اطلاعش در امر  
بهائی در موضوع مورد حاجت کافی باشد.

اظهار توجه و علاقه نسبت به دیگران

اغلب واقع میشود که همکار محترم بهائی مادر  
حالیکه برق مظفریت از چشمانش جستن دارد و بر  
چهره اش آثار رضایت و قناعت گریه‌ئی که تازه از بلع  
موش فراغت یافته نقش بسته بماند و الساعه پیام  
الهی را بسمع دالب حقیق رساندم. باید جرأت  
کرده با و عرض کنیم که راست است پیام الهی را بطلب  
حقیقت رساندی ولی آیا او هم این پیام را بسمع قبول  
اصفا نمود؟ آنچه میخواهست با و رساندی یا تنه  
مست تمتع از لذت ابلاغ پیام بودی چه بسیار اتفاق  
میافتاد که حضرت عبدالبها نفوس را مرحبا گفته  
میفرمودند "خوب و خوشید - شاد و مسرورید" "علاقه  
صمیمانه و محبت بی شائبه حضرتش مانند اشعه  
آفتاب طرف را احاطه و ارکان وجودش را گرم مینمود  
این توجه و علاقه نسبت بشخصی که با او مواجه میشوید  
در جمیع قطعات عالم از رموز اصلیه تبلیغ است و هیچ  
رمز و حکمتی هرگز بر آن مزیت نخواهد یافت.

از خاطر بیرون ریزد و محلی باین ترتیب برای تعالیم  
بهائی در خاطر خود باز کنند ماسمی میکنیم آنچه  
داریم بنور در خاطر سنگین و مملو و خالی کنیم.  
ما باید خود را بمنزله طبیب بگیریم علاج امراض  
در نزد ما است و باید آنچه بتوانیم دواى مرض را زود به  
ارباب حاجت برسانیم ولی آیا مریض نزد دگر چه میکند  
باید درد خود را بگوید و علائم و آثار مرض را بیان و  
نمایان نماید ولی اگر محض ورود مریض بمطب دگر  
شخص دگر شروع به بیان وضع خویش کند و یا از نظر  
خود راجع بمسائل بین المللی و وقایع آینده بحث  
نماید و یا از رویاهای همسر خویش شرحی بمیان  
آورد آیا مریض از این وضعیت راضی خواهد بود و یا  
مجدوب دگر خواهد گشت و در چنین حالی آیا داروی  
چنین دگری را بکار خواهد انداخت جواب پرواضح  
است تبلیغ تا حد زیادی عبارت از تکامل در فـسـن  
استماع است گوش دادنی که در فن گوش دادن بحث  
صنعت و هنر کامل گشته باشد اگر بطرف خود گوش  
ندید تا بفهمید دردش چیست و چه حاجتی دارد  
بخوبی میتوانید از آثار مبارک دواى درد و جواب سؤال  
او را انتخاب و با و تفهیم نمایند ولی مع الاسف  
جمیع ماها افکار ثابت و تمایلات دست آموزی که قرین  
و منسب و روز ما است در مواضع مختلفه و از رویای  
متعدد و مربوط بامر الهی و غیر آن داریم. بهمین  
جهت اغلب اتفاق میافتد که شخصی که بحث و افـسـر  
علاقه مند بمسائل اقتصادی است گریبانش بدست  
بهائی پر جوش و خروشی افتاده که علاقه شدیدی  
بحیات بعد از ممات و بقای روح دارد. مبتدی در  
هدایان میزان کار مزد و ساعات کار و تجارت آزاد و تسهیم  
منافع غلبان دارد و مبلغ بکمال جد و جویان را با بیان  
صفات و کمالات روح انسانی و عود بمبدی و کیفیات  
معاد تلاقی میکند. یا شخصی دائماً از استماع  
اصوات و مشاهده شیخ های خیالی و احساس  
مقدمات صرع و فجاءه در رنج و شکنجه است ولی در



تبلیغ نظام عالی و تمرین سخت موثری برای تضعیف حس خود پرستی هر شخص است زیرا موفقیت در تبلیغ منوط باین است که خود را درس صحنه بگذارد و اراده شخصی و میل به خود نمائی را تا حدی تحت سلطه درآورد تا درست مثل دستگاه گیرنده رادیو که منظم و حاضر برای کار باشد بتواند امواج منتشره از قلب و فواید شخص مبتدی را بوضوح بگیرد. اگر دستگاه گیرنده خود را با دستگاه دهنده شخص مبتدی میزان کنید میتوانید روحا با او مانوس شوید و باین توافق و تجانس روحی و فکری میتوانید دستور امر الله را در قلب او وارد نمایید بصرف این دلیل که آنچه میگوئید در نظر شما صحیح و مطابق با واقع است ممکن نیست خود را بزور بروج و قلب شخص دیگری تحمیل کنید و با حقیقت را در مغزش بکوبید و بضرر چکش افکار خود را در فلز وجود او بخورانیید همکاری در مجاهده تبلیغی

میزان حساس و دقیق در کار است برای تشخیص اینکه آیا تماما باید خود عهده دار تبلیغ و تکمیل ایمان مبتدی باشید و یا او را بدست دیگران بسپارید و یا بامبتدیان احبای دیگر شما آغاز صحبت نمائید و تبلیغ پردازید. چون در کروقایع در این مورد بیشتر مطلب را روشن میکند نگارنده از ذکر مورد که در طی مرتبت بهائی خود با آن مواجه گشته خود داری ندارد:

جناب علیقلی خان که ناطق زبردستی است شبی در خانه ای برای جمعی زیاد در دعوت خصوصی ایراد نطق نمودند. پس از ختام بیان مرانداداده گفتند چیزی بگو و این امر موجب اضطراب زیاد برای من گردید. پیش آمد بینهایت غیرمنتظر بود و مراد چار قلق فراوان نمود. پس از پایان مجلس از ایشان سؤال کردم که چرا چنین کردید مخصوصا باین رسا و جامعی که خود ادا نمودید دیگر ضرورت

نداشت که بیان دیگری شود جواب دادند که بیان هر قدر طولانی و جامع باشد همیشه چند درصد از مستمعین در مجلس خطابه از آن بیان و طرز فکر و استدلال ناطق نفری نمیگیرند و اثری نمیبرند و لسی ممکن است ناطق دیگری در همان مجلس آن عده را تحت تأثیر بیان خویش درآورد این بیان و تبیین هرگز از خاطر نگارنده محو نشده فی الحقیقه شاید صحت این قضیه مانند حل مسائل علم حساب قابل اثبات باشد که یکی از صد نفر میتواند عده ای از این قبیل نفوس را که از تأثیر بیان یک ناطق خارج مانده اند تحت تأثیر قرار دهد و این مسئله در مورد نفوس نیز که ماعاده در راه تبلیغ با آنها در تماس صدق میکند فخر شما ممکن است هرگز توفیق نیابد که جرعه هبه جان و نشئه انقلابی در شخص متعینی ایجاد کند حتی در موردی که مبتدی همسر خود مبلغ باشد ولی یکی دیگر از یاران شاید نفسش در او گیرا و موثر شود این هم یکی از فنون تبلیغ است و شاید اهمیتش کم نباشد که بفهمیم با فلان شخص بهتر است کدام یک از احبای صحبت کنند.

### عدم مداخله

درس دومی که گرفتیم این بود که نباید بامبتدی دیگری که در دست یکی دیگر از احبای است صحبت نمود و دخالت بی مورد در کار تبلیغ او کرد. واقعه دلیل بیشتر مطلب را روشن میکند زیرا بفتائیل بسیار نامطلوب منجر گردید. خانم جوانی مدت متدای در جلسات تبلیغی حاضر میشد و مساجد نگارنده با او صحبت میکرد بالاخره اظهار میل کرده در سلك مؤمنین درآید و وارد خدمت گردد. بسمه تصویب محفل ما درم با او مذاکرات مفصل نهائی نمود و بیشتر در این بحث راجع به عهد و میثاق و الوان و صایا شرح و بسط داد این دختر از نفوس آرام ولی دقیق و بر تفکر و اقدام بقبول ایمان بهائی برای او



برانگیخته میشود.

دختر یکی از احباب وقتی پیش ما مهمان بود و پدرش خیلی میل داشت که این دختر قبول ایمان نماید. دو بهائی شود این دختر بمنزل شخصی دعوت شد که گاهی بمجالس بهائی میآمد ولی هنوز اظهارته دین نمینمود نگارنده با او همراه نبودم زیرا کاری در دست من مانع بود. روز بعد میزبان این دختر بمن تافین نزد و اعتراض نمود که این مهمان بهائی شما چه شخص آدمی است که از من مشروب الکلی قبول نمود البته فوراً باو گفتم که از کجا میدانی که او بهائی است و در طلب و تحقیق نیست البته امیدوارم روزی در سلسله مؤمنین درآید و حلقه خدمت بگوش کند. حالت رضایت و خوشنودی که در صدای مخاطب پس از استماع این سخن حاصل شد برای من درس عبرتی بود. در حقیقت کسی را که نزد خود بهائی میدانست مورد آزمایش قرار داده و با او تکلیف مشروب نموده بود تا بداند بهائی چه نوع اخلاقی دارد این حکایت میکند که چگونه غیر بهائیان همیشه ماراتحت آزمایش دارند تا بداند که ما چه قدر در اجرای احکام خویش پایدار و وفاداریم بهمین جهت قبول مشروب از طرف آن خاتم برای او تاثر آور بود زیرا یکباره با افکار عالی او نسبت بامر بهائی لطمه زده بود ضمناً با کمال سرت علاوه میکنم که این دختر بعداً بهائی نورانی و فعالی شد. یکی از علل بیدینی مردم این است که در کنائس و مساجد و کلیساها نفوسی که عبادت باحکام شریعت خویش باشند یافت نمیشوند. بعد دین قولی است و تشهد زبانی و دعوی خیالی و چندی دینی مرده و بیروح است. بهمین جهت است که حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهائا این حس را با استمرار اهمیت اعمال و افعال بهائی را بجا آورده اند. اگر ما نیست در تعالیم خویش غرور و قست کلام بی میبریم که در این آئین نازنین مظهر ظهور حجاب های پیشین را خرق فرموده اند در گذشت.

(۱۰۴)

قدی بسیار سنگین و مهم بود بنا بود او را بحال خود واگذارند تا خود تصمیم نهائی را بگیرد مادر ما و گفست که اکنون شما از همه مسائل و شئون امر بهائی مطلع شده اید و باید خود مطالعه نموده اتخاذ تصمیم نهائی در همین موقع یکی از یاران بانهایت حسن نیت سعی نمود باو کمک کرده در اخذ تصمیم نهائی امریابری کند و فی الجمله از راه اصرار و بانحوه فشار مخصوص سعی نمود بار او را در منزل امریابین آورد. دختر آرام با وجدان که اهل تفکر و تدقیق بود این امر را از قبیل دعوت دعا و اصرار به تبلیغ و تپشیر شمرد و از این راه ظن و قیاس و شک و ریب حاصل نمود و ناراحت شد و از قبول و تصدیق امر مبارک سر باز زد و حتی از معاشرت و مؤانست با ما همه نیز دوری کرد. مهم درباره رفتار ما دقیق اند.

ما باید بدانیم که نفوسی که در نظر ما بینهایت نسبت بامر بیعلاقه و بیطرف بنظر میرسند در باطن امر همیشه بانهایت دقت مراقب و متوجه میباشند. عده نفوسی که از امر مطلع ولی نسبت بآن نظر دور و بیاهمیتی دارند پیشمار است اینها میل ندارند بهائی شوند زیرا با هم روز بحقایق امر الله پی نبرده اند و یا نمیخواهند عهد و در وظایف و مسئولیت های خطیره ایمان بآئین بهائی گردند ولی میخواهند بدانند که ما حقیقه بهائی هستیم و با ادعای ما میان تپه و از تظاهرات دروغی است بعبارة اخیری آنچه میگوئیم هستیم و میزان اعمال با اقوال تعادل ندارد. به عقیده من مادر منت نمیدانیم که تا چه درجه اعمال و افعال ما مورد انتقاد و دقت نفوس است و از جنبه روحی و روان شناسی این مسئله بسی قابل توجه و نمایان دقت است که این نفوس خیلی شائق اند که ما بهائیان دارای اخلاقی باشیم که قابل انتساب بمصدر اعلای بهائی باشد و اگر چنین نبود خشم و نگرانی و انزجار و دشمنی آنان نسبت بمما

امریکا عاده بجلسات و عظ و خطابه میروند و آنها را هم که میروند محتاد باین جلسات اند و همه جمعی میروند . اگرچه نطق عمومی و جلسه تبلیغ جمعی وسیله خوبی برای تبلیغ است و لکن نباید انتظار نتایج بسیاری از آن داشت در شهر منترال کانادا یکی از معروفترین کلیساها جلسات هفتگی سخنرانی عمومی برای جمیع طبقات مردم تشکیل میشود . در این جلسات خطبا و ناطقین درجه يك امریکا صحبت میکنند و اسامی نفوس مانند جولیان هاگسلسی برتراند راس سیراجینا هاند و در لیست ناطقین این جلسات دیده میشود معهود اعده مستمعین زیاد نیست ما باید بالا استمرار رویه اداره جلسات عمومی - تبلیغی را اصلاح کنیم و ناطقین بهائی خوبی برای این جلسات تعیین نمائیم و مبلغین مهربان فهمیم برای ادامه صحبت بعد از جلسه حاضرین تعیین کنیم ولی نباید انتظار داشت که این سبک رویه وسیله موثری برای تماس یافتن با عده زیادی از آن دوهزار نفوس مستعده که در انتظار استماع پیغام الهی هستند باشد .

#### مؤمنین تکمیل نیافته

پس از جلسات عمومی باید تبلیغ اختصاصی را نیز در نظر گرفت در نظر نگارنده در این مورد است که بعضی بسیاری ما بهائیان دچار عدم موفقیتیم . نفوس هستند ( امید داریم که عددشان انشاء الله کم باشد ) که یا بعزت کم روئی و بی جرئتی و یا بعزت عدم تمایل نمیخواهند مردم آنها را بهائی بدانند . میترسند مردم و همراهان و مساعین و شرکای تجارت و رفقا بآنها نظر تعجب بنگرند و آنها را غیر عادی و غریب تصور کنند . این نظر موثر تأسف است زیرا کاملاً حاکی از عدم رشد و بلوغ فکری آنان است . هر کس در هر میدان جدیدی قدم گذارد تا اندازه ای مورد مسخره و استهزا همگان واقع خواهد گردید

ایمان اقرار و اعتراف و دلیل کافی برای ایمان بود ولی ایم اقرار و اعتراف کافی نیست و باید مستظهر با اعمال و افعال باشد چنانکه میفرماید ترجمه " الیوم جز عمل ظاهر چیزی عند الله مقبول نه "

ما هم تبلیغ عمومی میکنیم و هم تبلیغ انفرادی - علاوه بامر که تماس داریم ندای امرالله را بگوشش میروانیم با همه این احوال چرا عده مصدقین اینقدر کم است ؟ ما فرض میکنیم که ده درصد جمعیت امریکا ( و این فرض کاملاً خیالی است زیرا ابداً اطلاعی نداریم که وضع و مبنای احصائیه دقیق آن چیست ) در ایالات متحده شایق بکسب اطلاع از تعالیم بهائی باشد و منظور ما از این اظهار نفوسی است که ممکن است بهائی شوند و یا آنهاست که پس از استماع پیغام مبارک بعد ها بخلیه ایمان فائز گردند . دایره این فرض را خوب است قدری وسعت داده بگوئیم که در يك شهر صد هزار نفری دو درصد اهالی یعنی دوهزار نفر اگر بنحوی مناسب از امر اطلاع حاصل کنند ممکن است بهائی شوند چرا ما با این دوهزار نفر تماس نداریم و بآنها نزدیک نمیشویم زیرا اولاً سن آنها از سن تحصیلین مدارس عالی تا پیران سالخورده مقیم بستر بیماری است و نفوسی از هر طبقه از اشراف مقیم بر دامنه فلاطین پرجلال تازن های خادمه ترن که تسایر ساعت چهار بعد از نصف شب بتنظیف ترن ها مشغول و در زمره آنان اند فرض کنیم که این شهر تازه در دسترس فعالیت تبلیغی درآمده آیا مهاجرها مهاجرینی که در این شهر مشغول خدمت اند راهی برای تماس با این طبقات که در جهات مخالف اجتماع اند بدست میآورند جواب این سؤال البته منفی است آیا احتمال میتوان داد که این نفوس بجلسات عمومی تبلیغی میآیند یقین است که چنین نیست فی الحقیقه اگر در این امر تجزیه و تحلیل عقلی معتقد باشیم باید بگوئیم که شعاع تماس های عادی بهائی با غیر بهائی بسیار محدود و کوتاه است اقلیت بسیار قلیل اهالی



نسبیم که بر عدد هواخواهان آئین نازنین بهمانی  
 بیفزاید و هر عارفی زبان بنعت و ثنای این دین گشاید  
 ما باید مایه عزت و احترام دین بهائی باشیم و برای  
 خود بعزت پیروی از این دیانت کسب تمیز و  
 تشخیص نمائیم و بدانیم که اقدام و اولی اعمال ما آنست  
 نه دعاوی و اقوال • فی الحقیقه باید معترف باشیم  
 که مردم بحضرت و مزیت اقوال ما باید اعتنا نمایند  
 ندارند زیرا همه کس در این ایام حرف ها و دعاوی  
 بلند بالائی دارد از جمیع بلندگوها در مراسم جهان  
 بالسنه چینی - چکی - اسپانیولی و غیره و غیره  
 نعره ها و سروصدای فراوان مسموع است و جملگی  
 بنابر اصول و مبادی زیبا و افکار و نوایای شایسته  
 مشغول اند و بسیاری از این دعاوی بانقشه های  
 بهائی و افکار و مبادی واحکام و عقاید ما شبیه و  
 آشناست ولی وضع دنیا و گرفتاری های آن نشان  
 میدهد که غالب این اقوال بی نتیجه و ثمر است چرا؟  
 زیرا این افکار و نوایا موید با اقدام صحیح و با افعال  
 و رفتار نیستند و زبان نیست و همه کس این جمله را در  
 کرده و باین حقیقت پی برده است • پس باید وسیله  
 اعظم و اقدام تبلیغی ما سرمشق اخلاقی بهائی باشد  
 منتهی باید بدانیم که تبلیغ منحصر از این راه پیشرفت  
 ندارد • و تئیکه دنیا فهمید که ما بهائیان بحقیقت  
 بهائی هستیم بالا جماع از مایه پیروی و دین ما تاسی  
 خواهند نمود چون اطفالی که بی اختیار از شیر و  
 تاریخی معروف بواسطه سحر موسیقی و هنر عالی  
 ایه پیروی نمودند •

### تعیین رویارز دیان

حال بشهرت کورود و هزار نفر اهالی طالب حقیقت آن برآورد  
 میبینیم که برای حفظ مقام امر و آشنا شدن مردم با اسم بهائی و  
 تشهیر این آئین مقدس باید خطابات عمومی و جلسات تباب  
 جمع داشته باشیم بعلاوه باید با سر فوازی و بی پروا بنام  
 بهائی شناخته شویم و باین نام محبوب القلوب باشیم از  
 طرف دیگر جمعی را باید در هر جمع و جلسات

(۱۰۶)

زیر آورده بشویم تا اغنام و انعام اند باید دیگر صدا  
 میآیند با هم جرم میکنند و دسته جمعی را کرده فرار  
 میکنند مورت اسف و حسرت است که یک فرد بهائی  
 نفهمد که بوسیله اسلاک در سلك جامعه ای که در -  
 طریق تقدم و ارتقاء در تمام عالم حائز مقام اعلی است  
 خود را از گله گوسفندان جدا کرده و بامتياز و اعتبار  
 رسانده است • از طرف دیگر لازم نیست که بهائی  
 پس از قبول ایمان بدوره افتاده ایمان جدید خود را  
 بصدا ی بوق و کرنا در گوش های مردم دنیا اعلان  
 نماید و با جزوات امری را بهمه کس بدهد و انتشار  
 اخبار بهائی کند از طرف دیگر البته بهائی تازه تصدیق  
 میل دارد همه بفهمند که او بهائی است و هم قدمان او  
 بدانند که افکار و اقوالش چون ما خود از تعالیم بهائی  
 است حاکی از تقدم و تعالی است و اگر در کسب و تجارت  
 وارد است میل دارد صاحب کار بفهمد که اعتبار و  
 اعتمادی که بدست آورده و نزاکت و حسن خلق و  
 همکاری و خدمت او و طلبانه او در کار باین علت است  
 که دیانت بهائی پیروان را باین مزیای نمایان -  
 رهبری میکند • در جمع رفقا و حلقه انس و وفا تنها  
 عادات و آداب پیسنده مانند صمیمیت و صفا و عفت و  
 حیا و اجتناب از تعصب و تنگی فکر و وجودت عقیده بیجا  
 کافی نیست که شخص بهائی را بندای بلند معرفی  
 نماید و تنگی نیست که تنها مردم فرد بهائی را بواسطه  
 تبعیت از دیانت رهرو راه خلاف عادت و کونه نظری  
 بی نهایت بشناسند •

### قدرت و نفوذ اخلاق

طرز فکر و بیان و برجستگی اخلاقی نمایان یک فرد  
 بهائی باید مردم را باین فکر اندازد که اخلاق  
 و اعمال ممتاز و قابل اعتماد و اعلان باید قاعده از دخول  
 او در این دسته که خود را بنام بهائی مینامند  
 شده باشد • و این عمل و اخلاق بدون تبلیغ و دعوت سبب  
 نمیشود که مردم را باین فکر اندازد که اخلاق

(۱۰۷)

خودمانی و کلاس های دور بخاری را برای بحث مسائل امری که محتملا موثرترین طریق تبلیغ در وضع فعلی است منعقد سازیم ولی هر فرد بهائی از مهاجرو جاویر از قدیم وجدید بتجربه شخصی میداند که تاثیر این طرق و وسائل مختلفه پس از چندی بنقطه اشباع رسیده متوقف خواهد ماند جلسات عمومی فقط برای تماس با عده معین محدودی مفید است \* جلسات دور بخاری یعنی تبلیغ خصوصی شاید منجر بشکلی محفل گردد و هر ساله از این راه چند نفری بغیر ایمان و تسجیل در دفاتر موفق شوند ولی از آن دو هزار نفر شاید تنها پنج درصدشان بکلی اکثر از این راه بشا همراه حقیقت واصل گردند \* علت چیست ؟ باید گفت که آن عده دو هزار نفر طالب حقیقت در جرگه های مختلفی وارد و در حقیقت در آن جرگه ها مدفون اند زیرا ما افراد بشر هر يك در دسترس شعاعی زندگی میکنیم و محدود بمحیطی مخصوص بخود هستیم \* ما بهائیان باید این درس را فراگیریم که باید همواره شعاع تماس خود را با خارج بلندتر و رسانتر کنیم \* يك نوع تمایل و رویه فکری در ما بدریجا ایجاد شده که منتظریم مردم مانند شکار خود بخود بسمت ما هدایت شوند و پیای خود بسمت ما بیایند شاید اغلب شکارهای مناسب هم بهمین نحو بسمت آشخوار بهائی نزدیک میشوند ولی معدن اجتماع انسانی را باید منظمآ برای کاوش مبتدیان طالب برور و کرد بطور مثال \* فکر کنیم که يك فرد مهاجر از راه جلسات عمومی بایکصد نفر از آن طالبین حقیقت معهود در شهر خود تماس حاصل کند و پانجاه نفر دیگر از راه جلسات خصوصی دور بخاری آشنا شود (و باید گفت که در این برآورد ما را مبالغه نپیموده ایم) اگر مهاجر ما مشغول کار معین یومی است در ضمن کارش نیز باینچ نفر دیگر از آنها روبرو شده آنان را بجلسات هدایت کنند از راه معاشرت و حیات اجتماعی خویش و مصرفی دوستان جدید و غیره نیز باینچ نفر دیگر را از

طالبین حقیقت بتصادف با امر آشنا نماید \* باین ترتیب مهاجر فعال ما صاحب خانه و شغل وانجمن محدودی از دوستان و جلسه افتخاری و هفتگی تبلیغی نیز هست که از تمام اینها برای تبلیغ استفاده کامل میکنند \* دیگر تماس های این مهاجر بهائی باید گفت بخدا اشباع یعنی حد بالای تاثیر رسیده و محیط فعالیتش بخدا اکثر وسعت یافته از دو هزار نفر معهود بایکصد و شصت نفرشان تماس حاصل کرده و بخدا یقف یعنی انتهای سیل فعالیت خود رسیده است \* دیگر چه راهی برای او باقی است \* بعقیده نگارنده باید بهائی ما از حدود جرگه خود خارج شده بجرگه دیگری وارد شود \* اگر در جرگه اولیه بماند و منتظر شود که یک هزار و هشتصد و چهل نفر بقیه طالبین حقیقت از راه جلسات عمومی تبلیغی که مرتباً در جرائد اعلان میشود با امر تماس حاصل نمایند باید يك قرن تمام در این راه بدامن صبر و فعالیت متوسل باشد و چشم براه تازه واردین گردد \* باید دانست که انجمن های ورزشی - کلوب های مختلفه انیس - اتحادیه های نوجوانان - جمعیت های طرفداران سعادت اطفال - هیئت های دوستداران حیوانات که مرامشان منع قساوت و وسط حمایت نسبت بآن زبان بستگان است جمعیت طرفداران انسان عمومی اسپرانتو و صد ها کلوب و اجتماعات همسرینی مدنی ورزشی و اجتماعی و هیئت های طرفداران اعمال خیریه نوع پرورانه و دستجاتی که دارای مرام های مشابه باآمال و نیات ما هستند جرگه های انسانی جدید و معدن های دست نخورده انسانی برای مهاجر مجاهد ما هستند \* همکاران آینده بهائی ما در این معادن استخراج نشده انسانی مخفی مکنون اند اگر طالب آنانیم و دلمان در بند آشنائی با آنان اسپرانتو و چشممان برای شناسائی آنان برق میزند باید بدنبالشان برویم - در بعضی از



نموده باشد میتواند در تمام آنها شريك و سهم و همك  
و هم نشين اعضا آن باشد .

### مسئوليت ما بهائيان

اگر ما اهل بها وجدانا با هميت تبليغ و عظمت  
مسئوليت خویش در این راه واقف و مأنوسیم و مراقبیم  
که برای این دنیاى مبتلا بسر سام و جنون فعلی که  
دواسبه بسمت وادی بوار و نیستی در تگاپواست  
فرصت مناسب و وسیله ممکن جهت استماع پیام  
نجات فراهم کنیم پس اتلاف وقت از طرف ما با انجام  
پرگرام روزانه و اجرای وظائف یومیه و عادات پیش پا  
افتاده که بی شباهت به حرکات يك نواخت و بی ثمر  
حيوان اسیر در قفس نیست از قبیل رفتن با دانه و  
محل کار و از آنجا بجمعیت بازی بریج و یا اشتغالات  
دیگر که هر يك از ما در مواقع فراغت از کار یومی داریم  
یا تمتع از لذائذ فردی بشری صورتی — دارد و  
پسندیده نیست — اگر نسبت بوظائف خطیره خویش  
درمیدان تبليغ توجه حاصل نمائیم البته ما ساعات  
تفریح و فراغت خویش را بکاری صرف میکنیم که نه  
فقط مفید بحال خودمان باشد بلکه سبب شود که  
با آن نفوس معدوده از طالبین حقیقت که در معدن  
انسانی مانند جواهرات د یقیمت غنوده و منتظرند  
که در این یم آلهی بصوت سافور امرا لاله بیدار و  
پراهنزاز گردند آشنا شویم . مسئوليت ما فی الحقیقه  
بیش از حد تصور عظیم و جسيم است — میگویند در  
این عالم د کتری نیست که پس از چندی اشتغال  
بطبابت نتواند از دورنمای فکر خویش مریض را بنگران  
و با خود نگذرد که اگر در مورد معالجه او دقت بیشتری  
میکردم و راه علاج را تغییر میدادم گریبان او را از  
چنگال مرگ نجات داده بودم ورشته تمتع او را از  
حیات قطع نمیکردم . میترسم که ما افراد بهائى نیز  
که در راه تبليغ کم و بیش قدم زده و فعالیت هائی  
بمقتضای ظاهر رسانده ایم ناگزیر باید مانند آن د کتر

موارد باید برای وصول باین هدف از راه صرف وقت  
و مجهودات یومی مایه بگداریم و در موارد دیگر بایسد  
گفت که از راه این تماس ها کیفیت جدید و رونق  
تازه فی هم بحیات فردی خود میافزائیم . جوانان  
بهائی ما از شنا کردن استخر در کلوب هـــــــــــــــــــــــــای  
" مردان جوان . مسیحی " و " زنان جوان مسیحی " .  
نباید سر باز زنند و از این راه باید با جوانان آشنا  
شوند و آنانرا به پیشت های بهائی و احتفالات جوانان  
دعوت نمایند و با بقدری با مرفا لقه مند کنند که با آنها  
گروه جوانان تشکیل دهند — عیبی ندارد که جوانان  
ما با " اتحادیه نوجوانان " و " پانچ " اطاق تجارت  
نوجوانان " آشنا شوند و در آنجا هیئتی که مراسم غیر  
سیاسی است عضو گردند و وسیله معاشرت و  
موانست بنام بهائی با همه آمال و نوایای عالییه و  
موازن بر جسته امری در انظار خود نمائی کنند و مورد  
توجه عموم شوند تا از این راه بوصول گمگشته خود  
یعنی بعضی از هزار و هشتصد و چهل نفر معهود  
نائل گردند . پدران بهائی هم ضرری نمیبرند  
اگر در همین راه قدم زنند و در کلوب های شطرنج  
بازان و کشاورزان خانج شهر و جمعیت های مناظره  
و عکاسی عضو شوند یا در کارخانه یا محل کسب و شرکت  
یا در اشتغالات بلدی و انجمنهای شهری با  
هر دسته ئی که صاحب آمال و نوایای نوع پرورانه  
و مقاصد همراه با ترقیات عالییه انسانی باشد همراز  
و هم آواز گردند و فعالیت و هنرنمائی خویش را —  
ابراز کنند تا با نفوس جدیده ملاقات نمایند و آشنا  
شوند . مادران بهائی نیز باید چنین کنند . در هر  
شهری زنان ده ها کلوب و تشکیلات برای حمایت و  
تربیت و پرورش اطفال و تأمین سعادت خانواده یا  
از یاد رفاه بلدی دارند که مراسمشان هم مناس  
با ترقی و تقدم و مفید و موثر برای رفع حوائج عمومی است  
و بهائی بدون اینکه از اصل اجتناب از تشکیلات و امور  
سیاسی و معنویت در تأسیسات دینی غیر بهائی تجاوز

### رسمیت امرالله در کانادا

بموجب اخباری که اخیراً از محفل مقدس روحانی ملی بهائیان کانادا شیدالله ارکانه وائل گردیده ام، بهائیان در اقلیم کانادا از طرف مجلس شورای ملی آن اقلیم برسمیت شناخته شده است. محفل مقدس روحانی ملی بهائیان کانادا نهمین محفل ملی است که در عالم بهائی تأسیس شده و این موفقیت عظمی نائل گردیده است.

### قسمت جوانان

این قسمت تحت نظر لجنه ملی جوانان بهائی ایران اداره میشود

### انجمن های شور محلی جوانان

۱- کرمانشاهان - انجمن شور محلی جوانان قسمت امری کرمانشاهان در تابستان سال جاری با حضور نمایندگان نقاط امری کرمانشاه - شاه آباد کردند و آقای هوشمند فتح اعظم نماینده لجنه ملی جوانان در کرمانشاه تشکیل گردید. در این انجمن درباره مهاجرت - تبلیغ - مسافرتها، تشویق - توسعه کتابخانه های امری - احتفالات جوانان کمک به محصلین کرمانشاه و نقاط منضمه مذکوره و تصمیمات مفیدی اتخاذ گردیده است.

۲- آذربایجان - دومین انجمن شور روحانی محلی این قسمت امری در تیرماه سال جاری با حضور نمایندگان تبریز - خوی - مراغه - میان دو آب - سیستان و خانم مهری جهانگیری نماینده لجنه ملی جوانان در تبریز تشکیل شد. در این انجمن درباره

اعتراف کنیم که در مورد بعضی از نفوس اگر دقیق تر بودیم و فکر اندیشه انسانی را بکار میآوردیم حکیمانه و مدبرانه رفتار میکردیم و عشق و محبت و عقل و منطق بهائی را شعار مینمودیم حال آن نفوس بهائی در ظل امرالله ساکن و مستترج بودند در صورتیکه اکنون آنان در سیر خود از مدار بهائی عبور کرده ولی خارج شده اند. در این یوم بزرگ و ساعات پر حادثه تصور و تقصیر در انجام وظیفه اخلاقی و ناکامی در این میدان خطای عظیم و محرومیت سنگینی است و فکر کنیم که اگر هر یک از ما ایمان بهائی را دقیقه ای از صفحه قلب و مصطبه دل بیرون گذاریم چه لاشه لاشینی هستیم آیا در حال حاضر و آینده دنیا بدون این جوهر الجواهر روزنه امید و شعاع ضعیفی از امان و نجات در صفحه گیتی باقی خواهد ماند. آیا ادامه حیات جسمانی و روحانی بدون این احساس تقرب و نزدیکی بساحت قدس الهی و شناسائی -

حکمت های غیبی لاریبی که در سایه تعالیم و آثار گرانبهای بهائی برای ما میسر شده امکان پذیر است. آیا در دوائر جامعه بهائی کسی هست که بتواند این عطیه ملکوت و ردای جانفزای لاهوت را بپیکر خویش نماید و آنرا از دیگران دریغ دارد و در خلوتگاه دل با جمع خاطر و فراغت درونی آرام و بی التهاب زندگی کند و در این روزگار پر آشوب بحرانی که عالم انسانی از راه باریک و مخوف حوادث سهمگین میگذرد دیگران را محروم از تعلیم بهائی و درس عشق و آگه دارد و بگذرد.

در این یوم است که ندای پر سطوت و شعار جنگی جناب ملاحسین باید ما را سر تا پا بتکان دهد خطاب با صاحب قلعه که فرمود ترجمه "ای جانبازان الهی و دلدادگان کوی عشق هنگام آن رسیده که برسمند همت سوار شده در میدان شهادت گسوی سبقت برنایید." حیف - اسرائیل

۱۸ مارس ۱۹۴۹



### تاسیس مجمع جوانان در تبریز

مجمع جوانان بهائی تبریز در مردادماه سال جاری با حضور جمعی از احباب و جوانان افتتاح گردیده است.  
اخبار برازجان

لجنة جوانان برازجان با وجود تضییقات شدید محلی و ضعف بنیه مالی در ایفای وظائف مربوطه همواره بذل سعی و مجاهدت نموده و موفقیت‌های نائل گردیده است از جمله موفق باعزام یک خانواده مهاجر یکی از نقاط امریه شده "تقلیبا جمع آوری شده مهاجرت را نیز در صدد موفق مخصوص جمع آوری و مرتباً بمصرف رسانیده است  
کتابخانه امیری

در اردیبهشت کتابخانه امیری تاسیس شده از احباب مستدعی مساعدت و همراهی هستند.  
مدرسه تابستانه در اصفهان

مدرسه تابستانه اصفهان در قلعه مرغی موسی آقا یکمال نظم دایر بوده است.  
مصابع دین الی الله

صعود نفوس محترمه مفصلة الاسامی دلیل و امحار مقدمه روحانیه خبر داده اند.  
امه الله کفایت خانم منیری در آران - امه الله بانو خانم در برازجان - جناب محمد اسمعیل مظلوم در شهر میرزا  
امه الله صباخانم صمدیان در بندر شاه - آقایان جعفر و همتی و حاجی رحیم کریمی و امه الله جمیله خانم سمعی در کرمانشاه - اینمحل از اعماق قلب برای آنجانبها پاک علود رجاء مستثلت مینماید.  
محل روحانی ملی بهائیان ایران

مراضیح مختلفه امری مذاکره و تصمیمات لازمه اتخاذ و ضمن طرحی گنجانیده شده است و نمایندگان نقاط امریه هر یک اجرای قسمتی از آنرا تعهد نموده اند.

۲- طهران - اولین انجمن شور و روحانی محلی جوانان قسمت امری طهران در تیرماه سال جاری با حضور نمایندگان نقاط امری طهران - جعفرآباد باقرآباد - زرنان - قلعه - تجریش - کرج - بابا سلمان و آقای جلال اقراری نماینده لجنة ملی جوانان در طهران تشکیل گردید در این انجمن مذاکرات درباره مصالح جوانان بخوبی جریان یافته و تصمیمات لازمه اتخاذ شده است.

۴- قزوین - انجمن شور محلی قسمت امری قزوین در تاریخ ۲ تیرماه با حضور نمایندگان نقاط امری لکین محمدآباد - زنجان - قزوین - ابهر - کله دره و جناب فرهنگ علایی نماینده لجنة ملی جوانان تشکیل و درباره مطالب مختلفه امریه تصمیمات اتخاذ شده است.

۵- همدان - انجمن شور محلی این قسمت امری در خردادماه سال جاری با حضور نمایندگان بعضی نقاط قسمت امری همدان و جناب هوشمند فتح اعظم نماینده لجنة ملی جوانان تشکیل و انجام بعضی خدمات در این انجمن از طرف نمایندگان محترم تعهد گردیده است.  
کتابخانه های جدید التاسیس

بقرار رابرت واصله در نقاط "فیروزی" کتابخانه امری بنام "فیروز" و در "فتح آباد" بنام "فتح" و در "قلات" بنام "نور" و در "شمس آباد" بنام "شمس" و در "قدس" تاسیس گردیده نقاط فوق الذکر در قسمت امری فارس قرار دارند و نیز در خیر القری از نقاط امری خراسان کتابخانه بنام "ورقة الفردوس" تشکیل شده است.